

در گفت و گو با «هادی عرفان» مدرس معماری مطرح شد که در شهر مشهد مقرر وضع مکتوب کنونی معماری بی هویت
مشهد
شماره انتشار 17850
نویسنده: گروه فرهنگی هنری
خراسان رضوی - مورخ چهارشنبه 1390/03/11

معماری و شهرسازی شهری هم چون مشهد که امروز آن را پایتخت معنوی ایران می نامند، موضوعی است که باز هم آن را به نقد و نظر می گذاریم. وضع مکتوب کنونی و آنچه از رفتار مدیران این شهر در برنامه ریزی ها برمی آید و در ساخت و سازها و معماری اش نمایان است، بیشتر آشفتگی و بی برنامهگی احساس می شود. هر کس هر طور می خواهد می سازد؛ نتیجه اش هم این شده است که به ویژه در ساختمان های منتهی به حرم مطهر می بینیم. ساختمان های مرتفع و در غایت نظارتی که بر آن شده باشد. آمارهایی که به مشهد می آید، نشان دهنده آن است که شهر در افق فرهنگی و معنوی داشته باشد؟ با مهندس هادی عرفان که اکنون مسئول دفتر مطالعات اجتماعی معاونت فرهنگی شهرداری مشهد را به عهده دارد هم به دغدغه ها درمیان می گذاریم. او می گوید: مدیران شهری مقصر اصلی روند بی هویتی در معماری مشهد است.

«هویت و معماری» و «معماری دارای هویت» اولاً این موضوعی است که آن را با مهندس هادی عرفان به گفت و گو می نشانیم. او معتقد است که «هویت» مقوله ای چند جانبه است و تنها در معماری و شهرسازی نیست و با ابعاد مختلف مورد بررسی قرار دهیم. «عرفان» در این موضوع به نقل قولی از یکی از استادان معماری دکتر سنگری اشاره و عنوان می کند: این استاد معتقد است آدم ها ۴ پوست دارند: ۱ - پوست بدن ۲ - لباس ۳ - معماری ۴ - شهر. با این تعبیر معماری هم برای آدم ها یک پوست به شمار می آید.

معماری کنونی مشهد، معماری دلالی و تجاری است

او ادامه می دهد: در واقع معماری برآمده از یک نیاز است که اگر برای این نیاز به درستی برایش پاسخ فراهم شود، معماری هم ارتقا می یابد و اگر این طور نباشد همواره مورد انتقاد قرار خواهد گرفت، مثل معماری کنونی مشهد که تلفیقی از معماری ساخت مردم و معماری دلالی و تجاری است. دبی و کوش هم چنین وضعی دارد و این در حالی است که معماری شهری هم چون مشهد با مدیران دارای هویت، نشان و شناسنامه باشد. در مکه و مدینه بدن منظور تلاش شده است هر چند آن ها هم در سال های اخیر از این مهم فاصله گرفتند. او در این زمینه به نقد برخی روندها می پردازد و می گوید: در حال حاضر در بدنه اجرایی ما نگاهی از بالا به پایین یعنی دیدگاهی حاکماتی، ابلاغی و دستوری حاکم است نه نگاه هم نشانی با مردم.

مهندس عرفان در این باره به اصطلاحاتی هم چون «فرهنگ سازی» که در گفتمان مدیران وجود دارد اشاره و مطرح می کند که ما در تمدن اسلامی هیچ گاه فرهنگ سازی نداریم بلکه ایجاد فرهنگ و بالندگی فرهنگ داریم. او با طرح این پرسش زمینه ها به موضوع هویت می پردازد و ادآور می شود: هویت یادکنک نیست و ساختنی هم نیست و اگر بخواهیم هویت را بسازیم معماری مان می شود شبیه دبی یعنی بستری بی بوته و ریشه در کور ایجاد شود و با زور پول آن را معماری کنیم. این معمار می گوید: هر مسافری که کمی تحلیلی داشته باشد با تماشای معماری دبی متوجه بی عمق و ریشه بودن آن می شود آن ها از هر جایی تکه ای برداشته اند و این یعنی که ما هیچ حرفی برای گفتن نداریم. باید بی زحمت که هویت یک شبه به وجود نمی آید اما یک شبه می توان آن را از بین برد.

نگاه عمرانی به جای نگاه کف‌تی

عرفان ادامه می‌دهد که متأسفانه در حال حاضر در مولفه‌های مدیریتی شهرهای ما نگاه عمرانی بر نگاه کف‌تی حاکم شده است. این نگاه باعث شده که به بافت تاریخی شهرها بگویند بافت فرسوده. این کلمه (بافت فرسوده) برای یک شهر و یک تاریخ بار منفی دارد.

مشهد عملکرد خوبی ندارد

از عرفان می‌پرسم که این نگاه در مشهد چگونه بوده است؟ او می‌گوید: مشهد در مقایسه با شهرهایی که ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی‌شان کسان است در این زمینه عملکرد خوبی نداشته است به طوری که در ۵۰ سال گذشته ما هیچ‌چیز را که طی قرن‌ها در بافت و معماری این شهر شکل گرفت طی چند دهه گذشته چطور با آن برخورد شد.

معماری تاریخی مشهد مثل یک تولد قلیچ قلیچ شد

او در این بخش به مقایسه شهرها در نوع رفتارشان با معماری‌شان پرداخت و گفت بروید ببینید اصفهانی‌ها و تبریزی‌ها با معماری سنتی شهرهاشان چگونه رفتار کردند و اما ما در مشهد با بناها و بافت‌های قدیمی مثل یک تولد برخورد کردیم. یعنی آن را قلیچ قلیچ کردیم و بله در این قسمت به «عرفان» می‌گویم که اگر به طور مشخص بخواهیم معماری پرامونی حرم مطهر را مورد بررسی قرار دهیم این سوال پیش می‌آید که در امر توسعه آحاد حق با فرهنگ است یا اقتصاد؟ او این طور می‌گوید: توسعه، توسعه است. ما وقتی یک «کل» را گم کردیم معماری، اقتصاد و ... هم گم می‌شود. این معنی رشد سرطانی. در جامعه ما هنوز تعریف مشخصی از توسعه نیست و فقط آن را به زبان می‌آوریم. در موضوع شهر اگر به شأنیت شهر فکر کنیم معماری‌ها سینه‌ها این شهر به صورت متعادل جایگاه واقعی خودش را می‌ابد.

از فردای شهرمان شناخت نداریم

عرفان ادامه می‌دهد: در موضوع اقتصاد باید اذعان کرد که اقتصاد شهر مشهد شکوفاست و اگر ما نمی‌توانیم از آن به درستی بهره‌مند شویم موضوعی جداست. عرفان تصریح می‌کند که چون از فردای شهرمان شناخت نداریم بنابراین معماری هم به همان نسبت رشد سرطانی خواهد داشت چون فرهنگ را از اقتصاد و اقتصاد را از فرهنگ جدا کرده‌ایم و به نوعی آن را بخش‌بخش کرده‌ایم.

مدیریت شهری ، مقصر است

عرفان معتقد است: مقصر معماری فقط روی هویت مشهد به مدیریت شهری برمیگردد. ما در این شهر معماران توانمند کم نداریم فقط باید به آنها ارزش داد. در این حال به آینده بدبین نیستیم اما جامعه جوان معماری باید تربیت شود تا بتواند گام‌های بزرگ بردارد. (بخش دوم این گفت‌وگو روزهای آینده منتشر می‌شود)

مرور

وضعیت فعلی معماری کنونی مشهد تلفیقی از معماری ساخت مردم و معماری دولتی و تجاری است، دبی و کوش هم چنین وضعیتی دارد

هویت در معماری مشهد هویت بادکنک نیست و ساختنی هم نیست اگر بخواهیم هویت را بسازیم معماری مان می‌شود شبیه دبی

فردای یا تخت معنوی این چون از فردای شهرمان شناخت نداردیم حوزه‌های مثل معماری هم به همان نسبت رشد سرطانی خواهد داشت

رفتارمدان با بافت تاریخی ما در مشهد با بناها و بافت‌های تاریخی مثل کک تولد برخورد کردیم یعنی آن را قایچ قایچ کردیم و بلعیدیم